

# شرح بیانیه گام دوم انقلاب تبیین و ارزیابی انقلاب اسلامی

سخنرانی آیت الله کعبی (دامت برکاته)

در جمع اساتید حوزه علمیه قم

۱۱ اسفند ۹۷

دفتر فرهنگی ۵۷

ترویج گفتمان امام و رهبری



حضرت آیت الله عباس کعبی، نماینده مردم خوزستان در خبرگان رهبری، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو حقوقدانان شورای نگهبان و استاد حقوق دانشگاه تهران است. ایشان به عنوان صاحب نظر در فقه حکومتی و حقوق عمومی و نیز نظریه پرداز مسائل حقوق اساسی شناخته می شود. ایشان در سال ۱۳۹۷ توسط سازمان بسیج حقوق دانان و قوه قضاییه، در همایش حقوقدانان تراز انقلاب اسلامی به عنوان «حقوقدان برجسته تراز انقلاب در فساد ستیزی و مطالبه گری» معرفی گردید. از ایشان تاکنون کتاب های «فلسفه سیاست»، «تبیین ولایت فقیه الز منظر فقهی، حقوقی و اساسی»، «ضممانت اجرایی قانون اساسی»، «مصادر الحدیث»، «الحصیله فی حکم الجهاد الابتدائی فی عصر الغیبه» و... منتشر شده است. وی استاد راهنمای پایان نامه ها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای فقه و حقوق در حوزه و دانشگاه است.

متن پیش رو، مربوط به جلسه ۱۱ اسفند ۹۷ در جمع اساتید حوزه علمیه قم در مدرس صاحب الزمان (عج) است که توسط دفتر فرهنگی ۵۷ تدوین و تنظیم شده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی خیر الانام المصطفی ابوالقاسم محمد(ص) و علی آله الطیبین الطاهرین لاسیما بقیه الله فی الارضین و اللعنه علی اعدائهم اجمعین.

توفیقی است تا در فضایی که حوزه علمیه با بیانیه گام دوم مانند همه فرهیختگان و اندیشه ورزان کشور، جان تازه ای گرفته و به تکاپوی اندیشه و حرکت افتاده، در خدمت شما اساتید معظم باشیم. طبعاً مباحث خود را بر بیانیه گام دوم متمرکز می کنم و به این بیانیه و اقدامات عملی اشاره می کنم.

## مبنای بیانیه گام دوم

**مبنای اول:** مبنای حاکم بر بیانیه گام دوم از سوی رهبری قبل از هر چیز، همان محاسبه گری و ارزیابی است. ایشان یکسال بعد از ارتحال امام راحل در سالگرد رحلت امام(ره)، یک بیانیه خیلی بلند به ارزیابی یازده ساله انقلاب پرداختند. سپس در ۲۱ بهمن ۱۳۷۷ یعنی دقیقا بیست پیش از این، بیانیه بلند دیگری دادند که انقلاب را ارزیابی نمودند. الان نیز ۲۲ بهمن ۹۷ ارزیابی چهل ساله ارایه کردند.

بنابراین مبنای اول و یکی از پایه های ارزیابی ایشان، بحث محاسبه است. همانطور که ائمه اطهار(ع) فرمودند: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی و حرکت انقلابی مردم ایران نیز یک پویایی و نشاط و حیاتی دارد. این موجود زنده نیز باید ارزیابی و محاسبه شود که چه روندی را طی نموده است. اگر محاسبه را برای برنامه ریزی خود مبنا قرار دهد، موفق خواهد بود. اینکه قبل از انقلاب چگونه بوده، اکنون کجاست و آینده آن چه خواهد بود. می توان بر اساس آن طراحی و برنامه ریزی کرد. بنابراین محاسبه یک برنامه اخلاقی صرف نیست.

**مبنای دوم:** حضرت آقا نخواستند فقط انشائی بنویسند. انقلاب ما یک انقلاب ایمانی و ارزشی و یک انقلاب ایدئولوژیک است. بعد از گذشت چهل سال، ما نیاز به بیانیه ایدئولوژیک داشتیم که مرامنامه انقلاب محسوب شود. بیانیه ای که مسائل انقلاب را نو به نو بیان کند. چون انقلاب های ایدئولوژیک اگر قدرت پویایی و تجدید حیات بر اساس فکر و اندیشه نیابند، قطعاً منحرف می شوند و نابود می شوند و پوست می اندازند. مانند انقلاب شوروی که چند لایه عوض کرد و در نهایت منحرف و نابود شد. فرانسه و چین نیز به همین سرنوشت دچار شدند. بنابراین انقلاب های ایدئولوژیک نیازمند یک تجدید حیات ایدئولوژیک دارد. چون شبهات نوین، پاسخ های نوین نیز می طلبد. حقایق دینی برای نسل های آینده نیز باید تبیین شود. به نظر حقیر بخشی از آن، یک بیانیه ایدئولوژیک است و جنبه مرامنامه برای انقلاب دارد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۹: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُزُوَّهَ وَأَنْ تُجَهَّزُوا لِلْغُرُضِ الْأَكْبَرِ».

به عنوان مثال، شهید بهشتی(ره) و یارانشان در اوائل انقلاب بیانیه ای را به عنوان «مواضع ما» ارائه دادند که همان ها مبنای قانونی اساسی شد. این «مواضع ما» همان مبانی حزب جمهوری اسلامی بود که در آن هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و سیاست، نظام اقتصادی و اجتماعی و... مطرح شده است. این مواضع، توسط مرحوم شهید بهشتی و باهنر و هاشمی رفسنجانی، شرح داده شد. از شهید بهشتی(ره)، بحث معرفت شناسی منتشر شد. مرحوم هاشمی بحث عدالت اجتماعی و اقتصاد را شرح کرد. شهید باهنر(ره) نیز ابعاد تربیتی «مواضع ما» را منتشر کرد که به عنوان «گذرگاههای الحاد» منتشر شد. مناسب است دوستان ملاحظه و مطالعه کنند. همان مباحث، پایه قانون اساسی شد. ما نیز بعد از گذشت چهل سال، نیازمند یک بیانیه ایدئولوژیک بودیم.

**مبنای سوم:** مبنای دیگر این بیانیه، جنگ نرم بود. امروزه جنگ ما با استکبار و نظام سلطه، بیشتر جنگ نرم است. دشمن می خواهد القاء کند که شما از این چهل سال نتیجه نگرفته اید و به آخر خط و بن بست رسیده اید و اسلام قادر به حکومت نیست. کارنامه موفقیت هم نداشته اید و دوره اسلام گرایی تمام شده است. و در تلاشند با امپراطور رسانه ای این مطالب را برای همه ملت ها دیکته کنند.

از آقای عسکری(رئیس صدا و سیما) شنیدم که می گفت آمریکایی ها با ماهواره ها را به انگیزه مقابله با انقلاب اسلامی راه اندازی کردند. قبل از آن ماهواره نداشتند. هرچند پیشرفت علمی محسوب می شود، اما برای مهار انقلاب اسلامی به این فکر افتادند. سوای اینکه به هفتاد زبان ماهواره های متعدد ایجاد کرده اند و با فضای مجازی غوغا می کنند، اما هدف این است که بگویند دوره اسلام گرایی پایان یافته است. در داخل نیز تلاش می کنند که نارضایتی ها را به ناامنی و اغتشاش تبدیل کنند.

رهبری معظم خواستند با این بیانیه، عملکرد چهل ساله را ارزیابی آرمان گرایانه و واقع گرایانه کنند. هم پیشرفت ها را ذکر کنند و هم امید بدهند و هم بگویند در آغاز راه هستیم. این نیز یکی از منطق های تدوین این بیانیه است. در واقع پاسخ به دشمنان است.

### محورهای بیانیه گام دوم

و اما این بیانیه چند محور دارد. باید ببینیم کدام محورها به حوزه مربوط می شود.

محور اول، تبیین ماهیت، حقیقت، ریشه ها و تاریخ انقلاب اسلامی است. یعنی محور اول تبیینی است.

محور دوم، ارزیابی واقع بینانه چهل ساله انقلاب است و آنجا که نقاط ضعفی وجود دارد، صادقانه بیان شود. اما این به معنای تجدید پذیری در آرمان ها و انعطاف در مقابل تمدن غربی نیست.

محور سوم، گفتمان سازی است. یعنی گفتمان انقلاب را به عنوان یک گفتمان عمومی با مفهوم سازی برای دیگران تبیین نماید.

محور چهارم، مطالبه گری است. هم تبیین اولویت ها و بر اساس آنها، مطالبات و نقشه راه. محور پنجم آینده نگری و نگاه به افق های آینده است. اینکه انقلاب اسلامی بر اساس سنت های الهی حاکم بر جامعه و تاریخ به کجا می رود و چه مراحل در پیش دارد؟

### تبیین محور اول بیانیه: تبیین ماهیت انقلاب اسلامی

در بُعد تبیین، نگاه رهبری معظم در این بیانیه به انقلاب اسلامی - که لابد بارها مطالعه شده است - ، این است که انقلاب اسلامی، یک انقلاب توحیدی، جهانی، انسانی، مردمی، جهادی و حیات بخش است که می تواند همه آرمان های انبیاء و اولیای الهی را در عصر حاضر برای هموار کردن ظهور منجی عالم بشریت و ولایت عظمای حضرت بقیه الله الاعظم (عج) احیا کند. این نگاه رهبری به ماهیت انقلاب اسلامی است. شاید گفته شود این مطلب جدیدی نیست و می دانستیم. اما ایشان اشاره کرد مردمی ترین و بزرگترین انقلاب با همین رویکردی که عرض شد.

اگر ما انقلاب را چنین بفهمیم، آنگاه تمام تلاش هایی که برای تحقق این آرمان ها و آمال انبیاء فراهم می شود، جهاد در راه خدا محسوب می شود و «این همانی» بین حقیقت انقلاب و حقیقت اسلام ناب محمدی و اهداف اهل بیت (ع) ایجاد می شود. یعنی بین اسلام، رهبری رسول الله (ص) و ساخت امت، و بین مکتب اهل بیت (ع) و تشیع و آرمان های اهل بیت (ع) در یک قطعه زمانی و مکانی به نام ایران اسلامی، «این همانی» اتفاق می افتد. یعنی گویی بعد از هزار و چهارصد سال، خورشید تابناک اسلام ناب محمدی بر اساس پیام غدیر و ولایت امیر المؤمنین (ع) این بار از ایران اسلامی به رهبری امام راحل جهت تحقق حاکمیت دین طلوع کرده است. یعنی اسلام بعثتی در زمان صدر توسط خاتم انبیاء (ص) داشته و پیروز

شده است. و انقلاب اسلامی، تجدید حیات اسلام و امام راحل مجدد و بازتولید اسلام است. این نگاه صحیح به انقلاب است. نه متعلق به ایران است، نه منطقه، نه ماهیت صرفا اقتصادی و سیاسی دارد؛ بلکه ماهیت صرفا اسلامی دارد و برای تحقق اسلام و پیاده سازی احکام آن است. البته بشارت قرآن نیز هست که بر اساس قانون استبدال این اتفاق رخ داد.

### تحقق سنت استبدال با تشکیل انقلاب اسلامی

شهید مطهری(ره) فرمود: خورشید دین هرگز غروب نمی کند، اما در مسیر پیروزی دین، ایستگاهها و منازل و انسانها تعوض می شوند. در این تغییر و تحول، ممکن است بعضی از اقوام و ملت ها و شخصیت ها، لیاقت خود را برای پیروزی اسلام از دست بدهند و عده ای دیگر به دست بیاورند. اسلام از مکه و مدینه ظهور و بروز کرد، اما الان مکه و مدینه به دست آل سعود اسیر است. کعبه و قبله آل سعود، آمریکا و صهیونیست است و این مطلب پوشیده ای نیست. اما اسلام طلوع دوباره ای از ایران کرد که مرکز اسلام شد و ملت ایران لیاقت یافت که مصداق این آیه شریفه باشد: «وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»<sup>۲</sup> یا فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۳</sup>.

علامه طباطبایی(ره) در تفسیر این آیه می فرماید این ارتداد در آیه شریفه، ارتداد فقهی نیست، بلکه ارتداد تنزیلی است. به تعبیری ارتداد اجتماعی و سیاسی است. یعنی جامعه اسلامی صفاتی را از دست می دهد. چون جامعه اسلامی باید «يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» باشد. اما اگر محور حب و بغض غیر خدا شود، مانند قوم و قبیله، ملیت، ثروت، قدرت، و... داستان عوض می شود. یا «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»، برعکس شود. یعنی در مقابل کفار ذلیل و در مقابل مؤمنین و دوستان اسلام، ستیره جو؛ مانند داستان آل سعود. یا «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، به تعطیلی جهاد تبدیل شود و «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» به محافظه کاری تبدیل شود.

۲. محمد / ۳۸.

۳. مائده / ۵۴ - ۵۶.

این مناسبات اگر تغییر کرد، جامعه اسلامی می شود اسم بدون مسمی؛ شکل بدون محتوا؛ پوست بدون مغز. جامعه ای که محتوای خود را از دست بدهد، خداوند جامعه ای دیگر را بروز می دهد که بتواند اسلام را پیش ببرد. این یکی از پیش بینی های اسلام است. روایت ذیل همین آیه شریفه است که سلمان در جلسه حاضر بود. حضرت رسول(ص) فرمود قوم سلمان این لیاقت را می یابند. در ادامه آیه نیز به ولایت امیرالمؤمنین(ع) تصریح می کند و گویی این صفات بر پایه ولایت امیرالمؤمنین(ع) اتفاق می افتد و انقلاب ما چنین انقلابی است. حفظ و توسعه و تلاش در این انقلاب، خون دل خوردن در این انقلاب، همه برای اسلام محسوب می شود. امام راحل در ذهن خود همین را داشت که می فرمود: حفظ جمهوری اسلامی اوجب واجبات است، چون حفظ جمهوری اسلامی، مساوی با حفظ اسلام و مسلمین می دانستند. بنابراین تبیین انقلاب چنین تبیینی است و خداوند چنین توفیقی به ملت ایران داد.

### جهانی و انسانی بودن، ویژگی مهم انقلاب ایران

این انقلاب مبتنی بر توحید، جهانی بودن، انسانی بودن که مخاطب آن انسان به ما هو انسان است، بنا شده است. بعضی تلاش دارند بگویند این انقلاب شیعی است. حتی اگر بگوییم انقلاب صرفاً دینی است، باز هم انحراف است، چون این انقلابی یک انقلاب در واقع انسانی بر پایه دین و مکتب اهل بیت(ع) است. انقلاب برای نجات انسان به ما هو انسان شکل گرفته است. مردمی است، یعنی مناسبات طاغوتی را به مردمی تبدیل کرد و آن را تحویل مردم داد. همه چیز به دست مردم است. بر پایه جهاد شکل گرفته، حفظ می شود و تداوم می یابد. شعاع آن نیز انشاء الله به دولت کریمه خاتم الاوصیاء(عج) می رسد.

برخی گمان می کنند اگر بگوییم انقلاب شیعی، این خدمت به انقلاب و تشیع است؛ و حالی که این تصور نه تنها خدمت نیست، بلکه هم ضرر به تشیع است و هم ضرر به ایران و مکتب اهل بیت(ع)؛ چون اگر انقلاب را با این دایره بزرگ ببینیم، که خاستگاه و بستر اصلی آن شیعه و مکتب اهل بیت(ع) است، در دل آن خود تشیع و مکتب اهل بیت(ع) رشد کرده و جهانی می شود. اما اگر انقلاب را محدود کردیم و دوست داشته باشیم دوره صفویه تکرار شود و محکم در مقابل اهل سنت بایستیم، آنگاه دچار فرسایش درونی می شویم و اسلام و تشیع از بین می رود.

این یک استراتژی اشتباه است که به جای «انقلاب اسلامی» بگوییم «انقلاب شیعی».

اگر فرا دینی و جهانی فکر کنیم، اهداف تشیع نیز در دل آن است. «چون که صد آمد نود هم پیش ماست». اگر انقلاب فقط ایرانی باشد، غیر ایرانی ها را از دست می دهیم. اگر انقلاب شیعی باشد، غیر شیعه را از دست می دهیم. اگر اسلامی شود، مخاطب خود را اروپا و امریکا از دست می دهیم. اصلا امامت برای بشریت است. معتقدیم اگر امامت و رهبری الهی اگر نباشد، بشریت تباه می شود. امام زمان(عج) نیز امام همگان است. امام مستضعفین شیعه و سنی و مسیحی و همه ادیان و ملل و فرق است و همه را نجات می دهد. این نگاه ما نسبت به امامت است. باید نگاه خود را توسعه دهیم. باید نسبت به انقلاب هم چنین نگاهی داشت. انبیاء رحمة للعالمین هستند، چرا ما تنگ نظر باشیم.

### انقلاب اسلامی با رویکرد تمدنی

در عمل این امر اتفاق افتاده است. چون با چنین شعارها و آرمان هایی که داشتیم و پای آن ایستادیم، توانستیم در حد تحقق یک تمدن گام برداریم. لذا انقلاب ما یک خصلت دیگری به نام «انقلاب تمدنی» دارد. انقلاب توحیدی، جهانی، انسانی، مردمی، مبتنی بر جهاد، در واقع یک انقلاب تمدنی است. یعنی مأموریت اصلی انقلاب، تحقق تمدن انسانی بر پایه اسلام ناب و آموزه های مکتب اهل بیت(ع) است.

برای انقلاب تمدنی، چهل سال اول به منزله گام اول است. اینکه حضرت آقا تعبیر به «گام دوم» کردند، واقعا همین است. برای تمدن ها چند گام باید برداشته شود که به عنوان مثال، باید ببینیم تمدن غربی از کجا شروع کرده و به کجا رسیده است؟

### سیر تمدن غرب، از آغاز تا افول

رسانس، یک انقلاب تمدنی در دوران معاصر است. رسانس یعنی انقلاب فکری و صنعتی در مغرب زمین. این انقلاب، بر علیه کلیسا و آموزه های مسیحیت بود. از دل آن انقلاب، سکولاریسم و جدایی دین از ساحت های اجتماعی زاده شد. آنتولوژی یا وجود شناسی به فنومنولوژی تبدیل شد. یعنی گفتند ما کاری به خدا و پیامبران و فلسفه و هستی شناسی نداریم؛ ما با پدیده ها<sup>۴</sup> کار داریم؛ اینکه چگونه با این پدیده ها، جهان را بسازیم.

۴. فنومن = fenomen: آنچه به وسیله حواس یا ضمیر انسان درک شود - امر طبیعی.



این انقلاب فکری، موجب ایجاد صنعت شد. صنعت بر پایه سکولاریسم، منجر به توسعه بر پایه علم شد. این توسعه، مدیریت الهی در صحنه جامعه را حذف کرد. یعنی جامعه احساس بی نیازی از مدیران الهی کرد. انبیائی مانند حضرت مسیح(ع) و حضرت موسی(ع) به تاریخ پیوستند و فقط یک مقوله تاریخی شدند.

می گویند ما باید دنیای خودمان را بسازیم. انبیاء رفته اند و در بین ما نیستند. ما هستیم و عقل خود. چیزی به نام «عقل خود بنیاد» ساختند که بر اساس عقلانیت باید دنیا را آباد کرد؛ به اصطلاح راسیونالیسم<sup>۵</sup> یعنی عقل در مقابل وحی. بر پایه عقل در مقابل وحی برای شناخت پدیده ها، به علم و علم گرایی<sup>۶</sup> یا علم تجربی رسیدند. این علم گرایی دستاورد سومی به نام لیبرالیسم<sup>۷</sup> و آزادیخواهی داشت. که همه اینها به جدایی دین از ساحت های اجتماعی منجر شد.

این حرکت در قرن سیزدهم و چهاردهم آغاز شد و نتیجه و محصول آن، در قرن نوزدهم دیده شد. نظریه «قرارداد اجتماعی»<sup>۸</sup> آقای هابز و جان لاک و ژاک روسو ایجاد شد. بعد هم صندوق جادویی انتخابات برای نظامات اجتماعی ایجاد شد و آرام آرام تحول و تطوری در جهان صورت گرفت که منجر به تمدن مادی شد. زنان و کودکان بیچاره نیز از عادات و فرهنگ سنتی خود به کارگاهها آورده شدند و در خط توسعه قرار گرفتند و کم کم به استفاده ابزاری از زنان منجر شد. موج های فمینیسم خلق شد تا به وضعیت امروز که نابودی خانواده و جنگ بر علیه خانواده رسیده است.

این بازده زمانی طولانی، منجر به ساخت تمدن غربی شد. در کنار آن، جنگ های خونینی - غیر از جنگ های کاتولیک ها با پروتستان ها و امثال آن - رخ داد که صدها میلیون انسان کشته شدند. تا امروز که شیب افول را طی می کنند. واقعا تمدن غربی به آخر خط و بن بست رسیده است و بحران مدیریت، بحران رهبری، بحران امنیت.

بعد از جنگ جهانی اول جامعه ملل را تشکیل دادند و بعد از جنگ جهانی دوم سازمان ملل تشکیل شد تا جلوی جنگ را بگیرند، اما نتوانستند. فلسفه منشور سازمان ملل متحد،

۵. راسیونالیسم = rationality: خرد گرایی یا عقل گرایی.

۶. ساینس = science: معرفت، علم، دانش.

۷. liberalism.

۸. social contract.

«صلح و امنیت بین الملل» است. این پنج کشور اعضای دائم شورای امنیت و افراد فاتح جنگ دوم جهانی، شدند شورای امنیت؛ اما نه از امنیت خبری است نه از صلح. بلکه سلطه دوقطبی تبدیل به تک قطبی و سلطه آمریکا شد.

### ویژگی های تمدن اسلامی

بالاخره تمدن غربی تک ساحتی و تمدن علم منهای ایمان است. قرون وسطی، ایمان منهای علم بود. ایمان منهای علم، نتیجه اش عقب ماندگی است. علم منهای ایمان نیز نتیجه اش جنایت و غارت و بحران و نابودی بشریت شد. انقلاب اسلامی ایران در این میان، مَبشر تمدن مبتنی بر علم و ایمان بود. تلفیق ماهرانه علم و ایمان و پیوند علم و ایمان بر اساس اسلام و مکتب اهل بیت(ع) و عرضه آن به جهان بشریت. این تمدن از ایران شروع شده و داعیه ما تمدنی و جهانی است.

آن زمان که انقلاب پیروز شد، جهان دو قطبی بود که با وجود انقلاب سه قطبی شد. بلوک شرق، بلوک غرب و انقلاب اسلامی ایران. اکنون جهان دو قطبی است: قطب اسلام و مکتب اهل بیت(ع)، و قطب استکبار و نظام سلطه و تمدن غربی. بقیه کشورها تماشاچی اند. محور قطب اسلام، ایران است، محور بلوک غرب، آمریکا و صهیونیست است. صهیونیست هم مانند استانی برای آمریکاست. بقیه کشورها یا وابسته اند یا تماشاچی.

### اقدامات تمدن غربی در مقابل تمدن اسلامی

دشمنان اسلام، به مثابه صد عن سبیل الله چند حرکت در مقابل تمدن اسلامی داشته اند: یکی آنکه نطفه انقلاب را از بین ببرند. دوم اینکه انقلاب را دچار استحاله کنند. سوم آنکه ملت را ناامید کنند؛ که البته نتوانستند. دستور کار فعلی دشمنان نیز همین است که ملت را از انقلاب خسته کنند و ذهنیت ها را از انقلاب برگردانند.

جنگ نرم بر همین پایه و اساس است. اما انقلاب راه خود را باز کرده و پیشرفته است. بنابراین هموردی ما با غربی ها، هموردی تمدنی است. یعنی دشمنان حاضرند ایران هسته ای باشد، قطب پیشرفته علمی باشد، اما داعیه تمدنی نداشته باشد.

فکر و حرکت و نظام سیاسی جدید، بر پایه تلفیق جمهوریت و اسلامیت، دین و دنیا، عقلانیت و معنویت، عدالت و آزادی و این دو گانه هایی که انقلاب جمع کرده و در مقابل سکولاریسم است. یکی از آنها علم و ایمان است که عنصر ذاتی تمدن اسلامی است.

جنگ ما برای تحقق تمدن اسلامی، جنگ با لیبرال دموکراسی است. یعنی لیبرال دموکرات ها با نبوت و ولایت مشکل دارند. کمونیست ها با توحید و الوهیت مشکل دارند. اینان از طریق نبوت و ولایت در صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی می خواهند به اهداف خود برسند. انقلاب بر اساس ولایت الهی گفت ما می توانیم دنیای جدیدی بر پایه دین بسازیم. انقلاب زمانی صورت گرفت که می خواستند پایان دین را اعلام کنند.

### تبیین محور دوم بیانیه: ارزیابی انقلاب اسلامی

محور دوم بیانیه گام دوم، ارزیابی انقلاب اسلامی است. ببینیم در مقام ارزیابی چه اندازه توانسته ایم در گام اول پیش برویم؟ رهبری معظم این نکات را تحت عنوان تبیین در بیانیه ذکر کرده اند. ما توانستیم خود را حفظ کنیم. مرزهای خود را گسترش داده ایم. دین در انزوا بود، آن را به عرصه آورده ایم. الان همه دیپلمات های جهان اگر از دین و مفاهیم دینی چیزی ندانند، دیپلمات خوبی نیستند. دین در عرصه روابط بین الملل مطرح شد. نه تنها اسلام، بلکه ادیان دیگر را هم سر بلند کردند. ما با واتیکان پیمان هایی برای گسترش و حفظ معنویت در جهان داشته ایم. اتاق های خلوت آمریکا و صهیونیست را بر هم زده ایم. خواب از چشمانشان ربوده شده است. اینها دستاورد کمی نیست.

### از ایران هراسی تا شیعه هراسی

هر چه آنها هزینه و سرمایه گذاری می کنند، ضرر می کنند. در منطقه هفت هزار میلیارد هزینه کردند، اما چه به دست آوردند؟ هیچ! اصلاً «القاعده» را برای مهار انقلاب به وجود آوردند. بعد هم طالبان، سپس تکفیری ها و داعشی ها. هدف، ایران هراسی، اسلام هراسی و شیعه هراسی بود.

مثلاً القاعده سه نفر بودند: «اسامه بن لادن» که هزینه را تأمین می کرد. مانند دفاتر شهریه به هر رزمنده ای که علیه شوروی می جنگید، مبلغ ماهانه پرداخت می کرد. مکتب القاعده شکل گرفت. قاعده در مقابل قیاده و رهبری است. قاعده یعنی سربازان.

سپس «أیمن الظواهری» به آن ملحق شد. جراح متخصص قلب و از سمپادهای اخوان المسلمین بود. او در خط سازماندهی ورود کرد.

نفر سوم «عبد الله عزام» بود که محتوا را تأمین می کرد. او فلسطینی الاصل است. در سوریه تحصیل کرد و سپس به وهابیت پیوست. با «بن باز» اختلاف پیدا کرد. به پیشاور پاکستان رفت و توسط سرویس های جاسوسی برای او دانشگاه زدند و اردوگاههای جهادی القاعده توسط او اداره و آموزش داده شد. آنها به او می گویند: «البروفسور شهید الامام المجدد دکتر عبد الله عزام!» حتی داعشی ها هم گروههای زیادی به نام عبد الله عزام دارند.

شاهد من چیست؟ عبد الله عزام می گفت شیعه توانسته دولت تشکیل بدهد و در حال فتح جهان است. از سودان و کشورهای مختلف گزارش می داد. حقیر سالها پیش با گوش های خودم شنیدم. می گفت ما بیکار نشسته ایم. هیچ راهی نیست مگر اینکه دولت خلافت تشکیل دهیم و برای این کار باید از آمریکا و کشورهای دیگر کمک بخواهیم و با آنها همکاری کنیم.

#### **فتنه وهابیت با هدف مقابله با اسلام**

در واقع این گروهها در مقابله با انقلاب از روی حسد و کینه به وجود آمد. وهابیت ملعون، ده سال اول انقلاب در کما بودند. ده سال دوم به برنامه ریزی روی آوردند که در کنار آن استراتژیست های مکر و فریب جهانی هم وجود داشتند. در دهه سوم، تربیت نیرو کردند و در دهه چهارم جنگ فکری را آغاز کردند.

امروز وهابیت در عمل به عنوان رهبران جهان اهل سنت شاخه می شوند. خبری از مذاهب چهارگانه در عمل وجود ندارد و امروز هر چه هست محصولات وهابیت است. حتی منابع اهل سنت را تحریف کردند و حاشیه بر آن زده اند. کتاب های کلامی و اخلاقی و تفسیری و تاریخی و... مثلا کتاب «العقیده الطحالیویه» کتاب کلامی بر اساس مذهب اشعری است. وهابیون هم ضد اشعری اند. در آن کتاب از محبت اهل بیت(ع) بحث شده است. عثمان الخمیس و دیگران به صورت حاشیه بر آن کتاب، درسنامه نوشتند و آن را به عنوان «شرح العقیده الصحاویه» منتشر کردند. در فقه و اخلاق هم چنین کرده اند. در حال جنگ هستند و غرب نیز به آنها میدان داده است. حتی بعد از حوادث یازده سپتامبر و داعش، این تفکر حفظ شده است تا انقلاب اسلامی پا نگیرد. اما انقلاب اسلامی در هفت سال اخیر و با از بین بردن

داعشی ها، به راستی فتح الفتوح کرد. گفتمان «مقاومت» آنها را در سطح ملی و منطقه ای و بین المللی شکست داد.

انقلاب در این سه سطح در حال پیروی راهبردی است و بار اصلی این کار بر دوش ملت ایران است. یعنی نیروهای جهادی و ایثارگر و شهادت طلب. ده سال اول، قطعه هشت ساله دفاع مقدس است. ده سال دوم، در اوج نبرد فرهنگی و تهاجم و شبیخون فرهنگی است که این فناوری راهیان نور شکل گرفت. فناوری ایمان و تقوا. همین که نسل جدید به جبهه می رفت و آنجا را می دید، عاشق فرهنگ جهاد و شهادت می شد و این فرهنگ باقی ماند. مبارزه با داعش و دفاع از حریم ولایت، این روحیه جهاد و شهادت را زنده کرد. این روحیه است که انقلاب را سرزنده نگه داشته است. این نسل جوان مؤمن، انقلابی، پای کار، دانا، توانا، ماهر و هوشمند، نسل گام دوم انقلاب هستند. لذا یکی از مخاطبان رهبری در این بیانیه گام دوم، نسل جوان است.

### نقد انقلاب

بنابراین در مقام ارزیابی، باید گفت در تمامی عرصه ها پیشرفت کرده ایم و تنها نقد رهبری در این بیانیه، این است که دستاوردهای بزرگ را کسی بیان نکرده است. ایشان به طور طبیعی در جریان گزارشات دستاوردها هستند، اما از این منظر که بحث احیای اسلام است و انقلاب چه خدمتی به اسلام کرده است، کسی بیان نکرده است و حضرت آقا این بخش را مد نظر دارد. البته سخن مهمی هم در بحث ارزیابی داشته اند که انقلاب نسبت به اعتراف به خطاهای خود باکی ندارد، اما تجدید نظر طلب نیست. بعضی ذوق نکنند که اشتباه کردیم؛ اشتباهات در آرمان ها و شعارها و اهداف نیست، و نباید در مقابل تمدن غربی منفعل شویم.

### نمونه ای از اشتباهات:

بنده چند نمونه از اشتباهات را عرض کنم:

یک: اشتباه را امام راحل بیان کردند که ما اشتباه کردیم که به لیبرال ها اجازه دادیم به سر کار بیایند. مانند آنجا که در منشور روحانیت فرمودند: «صریحاً اعلام می کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرالها بیفتد.»<sup>۹</sup> اما بعدها معلوم شد برخی

۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۶.

اشتباهات توسط مسئولین صورت گرفته است که در نامه به منتظری نوشتند: «و الله قسم، من با نخست‌وزیری بازرگان مخالف بودم ولی او را هم آدم خوبی می‌دانستم. و الله قسم، من رأی به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم».<sup>۱۰</sup>

یا در جایی دیگر می‌فرمایند: «اشتباهی که ما کردیم این بود که به طور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم به این قشرهای فاسد، و دولت انقلابی و ارتش انقلابی و پاسداران انقلابی، هیچ یک از اینها عمل انقلابی نکردند».<sup>۱۱</sup>

**دو:** اشتباه دیگر را رهبری معظم بیان فرمودند. در بحث رشد جمعیت فرمودند ما باید از سال ۱۳۷۲ این بحث جمعیت را پی‌گیری می‌کردیم. حتی استغفار هم کردند.<sup>۱۲</sup> از این قبیل اشتباهات را باید دنبال کنیم.

**سه:** یکی دیگر از اشتباهات بحث تعطیلی دانشگاه بود. حضرت امام دستور به تعطیلی دادند و یکسال هم تعطیل شد. سپس شورای انقلاب فرهنگی تشکیل شد. هنوز به اسلامی سازی علوم نپرداخته ایم. اما بلافاصله دانشگاهها بازگشایی شد. بعد از بازگشایی، فقط دروس معارف اسلامی را گنجانیدیم و همان مباحث علوم انسانی ادامه یافت و وحدت حوزه و دانشگاه در حد شعار باقی ماند. در حالی که یکی از زیر ساخت های تمدنی، تحول در نظام تعلیم و تربیت است. اعم از آموزش و پرورش و دانشگاهها. زیر ساخت آن نیز اسلامی کردن علوم انسانی است. ما در این زمینه اقدامی انجام نداده ایم و هنوز پرونده اسلامی سازی علوم انسانی بر روی دست نظام باقی است. این یکی از محورهای مهم است که باید حوزه ها در این زمینه اقدام کنند. البته تحصیل کرده ها و پژوهشگران حوزه و دانشگاه، اندک نیستند، اما تولیدات آنها باید عرضه شود.

۱۰ . صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۱؛ نامه به آقای منتظری، ۱۳۶۸/۰۱/۰۶.

۱۱ . صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸۱.

۱۲ . بیانات در جمع مردم خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۱۹: «یکی از خطاهایی که در اواسط دهه هفتاد انجام شد، ادامه سیاست کنترل جمعیت بود که این اشتباه باید جبران شود. زیرا نسل جوان عامل اصلی پیش‌روندگی کشور است. البته اجرای سیاست کنترل جمعیت در اوایل دهه هفتاد کار صحیحی بود، اما ادامه آن از اواسط دهه هفتاد اشتباه بود و مسئولین کشور و از جمله رهبری در این اشتباه سهیم هستند و باید از خداوند طلب عفو کنند».

**چهار:** کم کاری و مشکل دیگر، عدم بهره مندی از ظرفیت های مادی و معنوی است؛ مانند ظرفیت مهم ولایت مطلقه فقیه و بسط یدی که اسلام برای ولایت فقیه می خواهد، اما آنگونه که باید و شاید محقق نکرده ایم.

**پنج:** یکی از عقبه های دولت اسلامی و دولت سازی اسلامی، عقبه های مربوط به وجود غربگرایانی است که در این چهل سال، در سطوح مختلف مدیریتی عمل کرده اند؛ کسانی که مؤمن به تمدن غربی اند، نه مؤمن به تمدن اسلامی. ما نسبت به این افراد نیز کاری نکرده ایم و الان در سطوح مختلف و لایه های مختلف حکومت وجود دارند. با این افراد نمی توان تمدن سازی کرد.

### **نیروی انسانی لازمه ایجاد تمدن**

اینکه مقام معظم رهبری می فرمایند وجود نسل جوان مؤمن انقلابی پای کار دانشمند باهوش در عرصه ها، به همین جهت است. اینکه اگر انقلاب در دست این مؤمنان بماند، آن اهداف محقق می شود. کادر شناسی، کادر سازی و به کار گیری این نیروها برای تحول اسلامی از ضرورات تمدن اسلامی است.

بنده قبول دارم که مردمسالاری اسلامی و دینی باید وجود داشته باشد. جمهوریت و اسلامیت باید وجود داشته باشد. بلکه جمهوری اسلامی حقیقت واحده است. «جمهوری» جنس و «اسلامی» فصل حکومت است. این کبرای قضیه درست است. اما از نظر صغروی باید به گونه ای عمل کنیم که نیروهای مؤمن انقلابی جهادی معتقد به تمدن اسلامی بر سر کار بیایند. آیا این امر شدنی است؟ برخی معتقدند نشدنی است. پاسخ ما این است که این امر شدنی است.

ما کم کاری ها، تنبلی ها، کسالت ها و ندانم کاری ها را نباید به پای آرمان ها بگذاریم. رهبری معظم به این امر نیز اشاره کرده اند که مردم، دل زده از آرمان های انقلاب نیستند؛ بلکه دل زده از مسئولانی هستند که به این آرمان ها پای بند نیستند. راه حل چیست؟ آقا در جای دیگر فرمودند جمعیت ما ۸۵ میلیون است. اگر بتوانیم ده درصد جمعیت را نیروی جوان مؤمن انقلابی جهادی حاضر در صحنه و دانا تربیت کنیم، همه مشکلات کشور حل می شود. نمی فرماید یک مشکل، بلکه همه مشکلات حل می شود. اگر بر فرض هشت تا ده میلیون نفر

انسان مجاهد و حزب الله واقعی داشته باشیم که حاضر باشد خود را از نظر علمی و عملی فدای اسلام کند، هر کدام در چهار نفر ضرب شوند، انتخابات را هم فتح می کنیم.

### نقش مردم در جمهوری اسلامی

اینکه در عرصه انتخابات به دلیل ضعف برنامه ها و مسئولیت ها و جریان های سیاسی و جریان های خودی، مردم را از دست می دهیم، به آن معنا نیست که اصل انتخابات، اسلامی نیست. اصل انتخاب کردن اسلامی است. رسول الله (ص) هم بدون پشتیبانی مردم نمی توانست کاری کند: «فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ».<sup>۱۳</sup>

ناگفته نماند جامعه انتخاب را باید جامعه انقلابی و اهل ایمان قرار دهیم. باید زحمت بکشیم تا رفتار و اخلاق و سلیقه مردم تغییر کند. دشمن هم این نکته را فهمیده که انتخابات در ایران واقعی و جدی است. سرمایه گذاری می کند تا از این طریق اوضاع را دگرگون کند. انتخابات ما نیز اسلامی است. گاه می گویند انتخابات و صندوق رأی زمان رسول الله (ص) بوده است؛ خیر چنین نبوده است. اما اینکه آیا این انتخابات و صندوق رأی خلاف شرع است؟ باز پاسخ منفی است. البته روش منحصر به فردی برای مشارکت مردمی و مردمسالاری اسلامی نیست، اما یک بنای عقلایی برای شناخت نظر مردم در مسائل حکومتی است که اسلام با این روش به عنوان روشی برای فهم سلیقه ها و علائق مردم در نحوه حکمرانی مخالف نیست.

البته چند تبصره دارد: اول آنکه انتخاب شوندگان باید به اسلام و رهبری الهی و قانون اساسی و ولایت فقیه التزام عملی داشته باشند. یعنی عدالت و تقوا داشته باشند که احراز آن توسط شورای نگهبان صورت می گیرد. دوم آنکه کسانی که در حد ریاست جمهوری قصد کاندیدایی دارند، باید جزو رجال مذهبی سیاسی و آشنا با مبانی اسلام و تقوای بالا باشند. حال اینکه باز در مصداق اشتباه صورت می گیرد، بحث دیگری است. سوم آنکه قوانینی که منتخبان مردم در مجلس تصویب می کنند، نباید خلاف شرع باشد و باز هم توسط شورای نگهبان کنترل می شود.



حال آیا انتخابات روش منحصر به فردی است؟ خیر. بنابراین از نظر کبروی این نظام انتخاباتی، قابل دفاع است؛ اما از نظر صغروی باید بر پایه خودسازی، جامعه پردازی، تمدن سازی و فتح قلوب جامعه بتوانیم سطحی از جامعه ای که از اسلام ناب اقبال کند ایجاد کنیم و لازمه این امر این است که مبانی معرفت اسلامی را در جامعه ترویج کنیم.

### «طرح ولایت» الگوی موفق در تبیین مبانی اسلامی

مثالی عرض کنم: در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در اوج دوران دوم خرداد، از طریق سپاه، آیت الله موحدی کرمانی و محسن رضایی و آیت الله مصباح دور هم جمع شدند که چه کنیم؟ به ذهنشان رسید که دوره ای برای اساتید و دانشجویان راه اندازی شود. وقتی خدمت مقام رهبری رسیدند، فرمودند: محتوای برنامه با آیت الله مصباح؛ پشتیبانی با فرمانده سپاه؛ سیاست گذاری و جذب با نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

در دور اول، مرحوم آیت الله محمد تقی جعفری و مرحوم آیت الله طاهری خرم آبادی و آیت الله جوادی آملی برای سخنرانی دعوت شدند. دور دوم، آیت الله مصباح طرحی ریختند که بر اساس آن، شش جزوه نوشته شد: معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست و غرب شناسی. ایشان شرط کرد که فقط همین کتاب ها تدریس شود و هیچ برنامه دیگری تدریس نشود. در طی چهل روز تا دو ماه، این مباحث تدریس می شد و هر کس به فراخور تخصص، این جزوات و کتاب ها را نوشته و ارزیابی می کرد.

حضرت آیت الله مصباح می فرمود: در تاریخ عمر طلبگی به یاد ندارم کاری به درد روز قیامت بخورد، جز «طرح ولایت». ما گمان کردیم ایشان قصد تشویق ما را دارد و دارد مبالغه می کند. ایشان به بنده فرمود: شما فکر کن در بیمارستان قرنطینه هستی و هیچ کار دیگری نداری و فقط همین کار را باید انجام دهی. ما هم اطاعت کردیم. امروز با برگزاری دوره های تابستان، حدود سی هزار فارغ التحصیل طرح ولایت داریم. کسانی که الان مدیر و مدبر و دکتر هستند. هر تابستان هم در حال اجراست.

حال اگر ما به جای طرح ولایت، صد برنامه اینچنینی در حوزه داشتیم، چه می شد؟ این کار اصلی حوزه است. کار حوزه در تحقق گام دوم انقلاب، یک اقدام زیربنایی است؛ کار حوزه ایمان سازی و تقوا سازی است.

## الزامات تمدن اسلامی

ارزیابی دیگر اینکه تمدن مبتنی بر علم و ایمان الزاماتی دارد. یکی از آنها، اجتهاد متناسب با مقتضیات زمان و پیشبرد فقه حکومتی در خط مشی گذاری اداره نظام است. الزام دوم، پیشرفت علمی و پژوهشی در همه عرصه ها و استفاده از علوم و فنون و تکنولوژی و تجارب بشری است. الزام سوم، قدرت بازدارندگی دفاعی است که به عهده نیروهای مسلح است که به نحو احسن هم در حال انجام است. صحنه فناوری و دانش و پیشرفت علم تجربی بر عهده دانشگاههاست که تا حدود پیشرفت کرده اند. مثلا در نانو تکنولوژی ما در جهان ششم هستیم. ما ضلع سوم این کار یعنی ایمان سازی، تقوا سازی، تقویت مبانی فکری جامعه، فقط به عهده حوزویان است.

حوزه نیز جز آنکه از نظر کمی و کیفی پیشرفت کند و تحول بنیادی در نظام آموزش و پژوهش و تبلیغ و حضور داخلی و بین المللی، خود را تقویت کند، راه دیگری ندارد. اینکه از مبلغین حرفه ای و رشته های تخصصی متنوع و برنامه ریزی فعال بهره مند شود.

لذا مأموریت حوزه در بیانیه گام دوم، علاوه بر حضور در نظام به شکل مدیریتی و تأمین کادرهای نظام، تقویت مبانی فکری و اعتقادی جامعه است. البته در این بُعد، عوامل فراوانی دخالت دارد؛ گرانی، ناکارآمدی و... اما مسئول آنها حوزه نیست. با توجه به شرایط فعلی با محوریت مساجد، هیئت ها، حسینیه ها، اردو ها، خانواده باید هشت تا ده میلیون جوان مؤمن انقلابی جهادی تربیت کنیم. اگر چنین شود، مردمسالاری اسلامی محقق خواهد شد. چون زیرساخت جامعه ایمانی خواهد شد. و صلی الله علی محمد و اله الطاهرین.





دفتر فرهنگی ۵۷  
ترویج گفتمان امام و رهبری  
**@farhangy57**